

خطبه باران



حضرت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی
نقل از فرشتی

دعا یکی از رفتارهای دینی زیبا و اسرارآمیز یکتاپرستان است. دعا ابراز بندگی و نیاز به خداوند بی نیاز است. دعا کردن از بالاترین نشانه‌های اعتقاد واقعی به خداست؛ به همین دلیل در قرآن کریم آمده است کسانی که از دعا کردن روی گردان هستند، درواقع از عبادت و پرستش خداوند روی گردان اند واستکبار دارند و جایگاه آن‌ها جهنم است و با خواری به آن وارد خواهند شد.

یکی از چیزهایی که اولیای الهی از ما خواسته‌اند، همین دست‌به‌دعا بودن و اهل دعا بودن است. اماگاهی از دعا والتجای به خداوند فراموش می‌کنیم، مگر آنکه مشکلی داشته باشیم و به در بسته‌ای برخورد کنیم.

یکی از مواقعی که دعا کردن توصیه شده است، زمانی است که برف و باران رحمت الهی کم بشود و خشک سالی بایدب که گیاهان و حیوانات و انسان‌ها با وجود آن در رحمت قرار بگیرند. در این حالت، طبق دستورات دینی ما، با حال خاص و ادعیه خاصی نماز باران اقامه می‌شود. همان‌طور که در هفته‌های گذشته این نماز در مشهد مقدس اقامه شد.

البته همه می‌دانیم آن‌که به خواندن نماز باران می‌رود، به خدای بزرگ و رحمت او ایمان و اعتماد دارد و به او خوش‌گمان است. اماهیچ‌کسی از حکمت و مصلحت پروردگار اطلاعی ندارد؛ گرچه امیدوار است که خدای بزرگ، مصلحتش را در بارش باران رحمت قرار بدهد.

خطبهٔ ۱۴۳ نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین^(ع) به نماز باران اختصاص دارد. درواقع این خطبه به سه بخش تقسیم می‌شود، بخش اول در مورد نظام آفرینش و چگونگی آن صحبت می‌کند. بخش دوم به فلسفهٔ آزمایش‌های الهی اشاره می‌کند و در بخش آخر نیز ادعیه و نیایش زیبایی در طلب باران آمده است.

در بخش اول آمده است: «إِنَّ الْأَرْضَ الَّتِي تَقْلُكُم وَالسَّمَاءُ الَّتِي تَطْلُعُكُم مَطِيعَتَانِ لِرَبِّكُم». می‌فرماید آسمان و زمینی که شما را در بر گرفته است، مطیع و فرمانبردار پروردگار شما هستند که وظیفه دارند طبق مصلحت شما عمل کنند. اما بعد از این فرار، این سؤال پیش می‌آید که این آسمان و زمین که وظیفه دارند طبق مصلحت ما عمل کنند، چرا گاهی به وظایفشان عمل نمی‌کنند؟

امیرالمؤمنین این سؤال را در بخش بعدی پاسخ می‌دهند، جایی که بیان می‌کنند:

«إِنَّ... يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ يَنْقُصُ الثَّمَرَاتِ وَ خَسِبَ الْبَرَكَاتِ وَ إِنْغَلَقَ خَزَائِنُ الْخَيْرَاتِ لِيُثَوِّبَ تَائِبٍ وَ يُفْلَحَ مُقْلَبٌ وَ يَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ وَ يُوَدِّعَ جَزْءٌ خَدَاوَنَ بَنِدْغَانٍ خُودِ رَاكِهِ گناهکارند، با کمبود میوه‌ها و جلوگیری از نزول برکات و بستن در گنج‌های خیرات. آزمایش می‌کند، برای آنکه توبه‌کننده‌ای بازگردد و گناهکار، دل از معصیت بکند و پندگیرنده، پندگیرد و بازدارنده، راه نافرمانی را ببندد».

در این بخش، حضرت مولا^(ع) به آیه معروفی از قرآن کریم اشاره می‌کند که فقط استغفار را موجب نزول برکات و ارسال امداد‌های الهی و پاداش‌های خوب می‌داند.

در بخش آخر این خطبه نورانی، حضرت نیایش زیبایی در طلب باران می‌کنند که در بخشی از آن آمده است: «اللَّهُمَّ فَاشْفِقْنَا غِيْثَكَ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ وَ لَا تُهْلِكْنَا بِالْهَيْبَةِ وَ لَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» بار خداوند! بارانت را بر ما ببار و ما را مأیوس برمرگردان و با خشک سالی و قحطی، ما را نابود مفرما و با اعمال زشتی که بی‌خردان ما انجام داده‌اند، ما را به عذاب خویش مبتلا مکن».

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که ما و خانواده ما را از اهل دعا قرار بدهد و برکات و باران رحمت خود را با این ادعیه نورانی بر ما نازل کند.

ان شاء الله!...

ببرس و بدان

پیشینه امر نذر

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به شماره پیامک ۰۷۲۸۹۳۰۰ یا ما در میان بگذارید.

- سؤال: آیا غیر از دین ما، در ادیان گذشته نیز چیزی به نام «نذر» وجود داشته است؟
- پاسخ اجمالی:

از گزارش‌های تاریخی و آیات قرآن کریم می‌توان برداشت کرد که نذر منحصر به دین اسلام نیست، بلکه در ادیان گذشته نیز وجود داشته است که در ادامه نمونه‌هایی از آن را خواهیم آورد.

نذر همسر عمران و مادر حضرت مریم^(ص)، «إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَّيْتُ لَكَ مَافِي بَطْنِي مُخَرَّجَةًفَقَبِلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (به یاد آورد) هنگامی راکه همسر عمران گفت: خدایا آنچه در رحم دارم، برای تو نذر کردم که محرر (آزاد، برای خدمت خانه‌تو) باشد. از من بپذیر که تو شنوا و دانایی». (۱) در بیان این آیه گزارش شده است که «حنه» همسر عمران، صاحب فرزند نمی‌شد. روزی زیر درختی نشسته بود و پرنده‌ای را دید که به جوجه‌های خود غذا می‌دهد. مشاهده این محبت مادرانه، آتش عشق فرزند را در دل او شعله و ساخت و از صمیم دل از درگاه خداوند تقاضای فرزند کرد و چیزی نگذشت که این دعای خالصانه به هدف اجابت رسید و باردار شد. هنگامی که او باردار شد، تصور کرد فرزند مزبور همان است که در رحم دارد، بی‌خبر از اینکه کسی که در رحم اوست، مادر آن فرزند (مریم) است و به همین دلیل نذر کرد که پسر را خد متکبر بیت المقدس کند. (۲)

نذر خود حضرت مریم^(ص)، «فَكَلَى وَ اِشْرَبِي وَ قَرِي عَيْنًا فَلَمَّا تَرِيْنَ مِنْ الْبَشَرِ اِخْدَا قَوْلِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ اَكْلِمَ الْيَوْمَ اِنْسِيَا» (از این غذای لذیذ) بخور و (از آن آب گوارا) بنوش و چشم‌ت را (به این نوزاد) روشن دار! و هرگاه یکی از انسان‌ها را دیدی، (با اشاره) بگو: من برای خداوند رحمان، روزه‌ای نذر کردم، بنابراین امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت. (و بدان که این نوزاد، خودش از تو دفاع خواهد کرد!) (۳)

ظاهر آیه یادشده نشان دهنده آن است که حضرت مریم^(ص) بنا به مصلحتی، مأمور به سکوت بود به فرمان خدا؛ سخن گفتن در این مدت خاص خودداری می‌کرد تا نوزادش، حضرت عیسی^(ع)، لب به سخن بگشاید و از پاکی او دفاع کند که این از هر نظر مؤثرتر بود. اما از تعبیر آیه چنین برمی‌آید که نذر سکوت برای آن قوم و جمعیت، کار شناخته شده‌ای بود؛ به همین دلیل این کار را بر او ایراد نگرفتند. (۴)

نذر یفتاح بن جلعاد؛ بر اساس کتاب مقدس، با شروع جنگ میان بنی اسرائیل و بنی عمون، برخی بنی اسرائیل گرد یفتاح بن جلعاد جمع شدند و از وی خواستند که رهبری آن‌ها را بپذیرد. یفتاح نذر کرد که اگر بر دشمن پیروز شد، هنگام بازگشت، نخستین فرد از خویشاوندانش را که دید، او را در راه خدا قربانی کند. (۵)

نذر حضرت یعقوب^(ع)؛ یعقوب^(ع) نیز برای رسیدن به خواسته‌های خود نذر کرد. (۶) بر اساس برخی گزارش‌ها، یعقوب^(ع) دچار بیماری شد و نذر کرد هرگاه شفا پیدا کرد، غذا و نوشیدنی‌هایی را که بیشتر دوست دارد، بر خود حرام کند. (۷) مردم شبه جزیره عربستان پیش از ظهور اسلام نیز با نذر آشنا بودند و ماجرای در معرض قربانی قرار گرفتن پدر پیامبر اسلام^(ص) نیز در همین راستا بوده است. (۸)

منابع:

۱. آل عمران، ۳۵.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۲۳، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۳. سوره مریم^(ص)، ۲۶.
۴. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵ – ۴۶؛ رک: «حکم روزه سکوت»، ۱۲۲۷۹.
۵. کتاب مقدس، بخش زندگی یفتاح.
۶. کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۲۸، آیات ۲۰ – ۲۲.
۷. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۳۲.
۸. «نذر قربانی کردن عبدا...» توسط عبدالمطلب، ۱۲۱۸۲.



شهرانه نیوز
SHAHARANEWS.IR
۱۴
شماره ۱۸ بهمن ۱۳۹۵
تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۸



نگاهی به بدعت‌های نامناسب در آیین‌های عزاداری درگذشتگان

مراسمی که اموات را معذب می‌کند



آمنه مستقیمی| ما ایرانی‌ها از قدیم الایام به مدد سنت دیرینه با هم بودن به مناسبت‌های مختلف (بی ربط و یاربط) در برگزاری میهمانی و دورهمی بد طولایی داریم و هر زمان، بهانه‌ای برای این باهم بودن پیدا می‌کنیم؛ زمانی به مناسبت ولادت نوزادی یا حتی دندان درآوردن کودک و بعدتر جشن تولد و... ما حتی به وقت غم نیز دورهم بودن را بر تنها بودن ترجیح می‌دهیم و با مراسم سوم و چهلم و شب سال به یاد متوفی و برای تسلیای بازماندگان، دورهم جمع می‌شویم و همان‌طور که شادی‌ها را به ضریب و توان می‌رسانیم، غم و غصه را نیز تقسیم می‌کنیم. البته این سنت و خصلت خوب ما ایرانی‌ها، آسیب‌هایی نیز به دنبال دارد؛ چشم‌وهم چشمی، تجمل‌گرایی، اسراف، فخر فروشی، غیبت و... از آسیب‌هایی است که گاه در میهمانی‌هایمان به چشم می‌خورد و شاید هم همین‌ها درکنار گرانی‌ها باعث شده است بازار رفت و آمد‌های ما به ویژه پس از شیوع کرونا کمی بی‌رونق شود. در این میان، مهم‌ترین عاملی که نه فقط به میهمانی‌ها و دورهمی‌های ما بلکه حتی به آرامش امواتمان لطمه می‌زند، چشم‌وهم چشمی در قالب لاکچری بازی و به اصطلاح باکلاس بازی درآوردن است.

پیش از این چشم‌وهم چشمی درباره عروسی و رفتن به خانه بخت، خواب آرام و شادی تشکیل خانواده را از خیلی جوان‌ها ربوده بود. اما امروز در برخی خانواده‌ها برای برگزاری مراسم خاک سپاری و ترحیم به اندازه‌ای چشم‌وهم چشمی و لاکچری بازی جا باز کرده است که برخی نمی‌دانند باید درد از دست دادن عزیزشان را تحمل کنند یا تلاش کنند زیر بار قرض و قوله و تأمین مخارج تدفین و ترحیم له نشوند.

به اسم لاکچری بازی اموات

برای آنکه بدانیم مجالس ترحیم اموات، به منظور بزرگداشت و یادبود آن‌هاست نه مسابقه‌ای برای نمایش مال و اموال و پز دادن‌های ما، مرور آموزه‌های دینی ضرورت دارد. برپایه این آموزه‌ها، سوگواری در مرگ اشخاص، یک نوع تعظیم و احترام به آن‌ها و رعایت موقعیت و شخصیشان محسوب می‌شود، چنان‌که از پیامبر اکرم^(ص) نقل شده است: «مرده‌ای که گریه‌کن نداشته باشد، عزتی ندارد» (الأساءه الحسین، ص ۱۱۸).

مرده به گریه کن نیاز دارد

مؤکد) است، باید بعد از دفن مرده انجام شود و مقدار تسلیت، آن است که در مجلسی حاضرشوی تاصاحب عزرا تو را ببیند» (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۱۶. ح ۳۴۴۸). در توضیح المسائل مراجع عظام نیز چنین آمده است: «بعد از دفن، مستحب است صاحبان عزرا را سرسلامتی دهند، ولی اگر مدتی گذشته است و به دلیل سرسلامتی دادن، مصیبت یادشان می‌آید، ترک آن بهتر است و نیز مستحب است تاسه روز برای اهل خانه میت، غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان، مکروه است».

برپایه همین آموزه‌ها، روح متوفی و نزدیکان او پس از فوت، تا مدتی باهم پیوستگی دارد و حتی متوفی از اعمالی که بازماندگان برایش انجام می‌دهند، خوشحال می‌شود. در روایت است: «روح متوفی از ترحم و استغفاری که بازماندگان برایش انجام می‌دهند، خشنود می‌شود؛ همان‌طور که انسان زنده از هدیه آوردن دوستانش، خوشحال می‌شود» (سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۵۵، ماده موت).

این‌ها همه نشان می‌دهد که اموات چشم به راه انفاق و احسان و گریه و انس ما هستند و این یاد کردن‌های ما به ذکر و دعا و خیرات و میرات، مایه شادی و آرامش روحشان می‌شود. اما قرا نیست این آموزه دینی و این چشم به راهی را به چیزی آلوده کنیم که اصلا در آن دنیا به کار اموات نمی‌آید و چه بسا معذب‌شان هم بکند.

اموات، چشم به راه احسان و انفاق اند نه چشم و هم چشمی

اگر در همان گذشته نه چندان دور، جمع شدن در مسجد برای بزرگداشت یاد متوفی، طلب رحمت و مغفرت الهی برای او و برخی عبادات و مستحبات برایش انجام می‌شد، این روز‌ها انتخاب مسجد برای مراسم ترحیم نیز سرلیست لاکچری بازی عده‌ای از خانواده‌ها شده است. هرچه منطقه شهری بالاتر قیمت‌هم بیشتر؛ البته این در صورتی است که بخواهند در مسجد یادبود برگزار کنند، چون برخی افراد، این روز‌ها سالن‌ها و باغ تالارهای آن چنانی را برای برگزاری مراسم ترحیم، به مسجد ترجیح می‌دهند. از توصیه‌های مؤکد دینی درباره یاد کردن اموات، قرائت قرآن به نیت آن‌ها به ویژه قرائت سوره مبارکه یاسین است؛ همان رسمی که به ویژه در شام غریبان متوفی برگزار می‌شد و دل‌ها را صیقل می‌داد و مایه آرامش بود. اما این رسم نیز در لایه‌ای تغییر فضای مراسم ترحیم در برخی خانواده‌ها، دیگر جایی برایش باقی نمانده است و دورهمی با اجرای زنده موسیقی و هم خوانی برخی اشعار و سرودها و اجراهای هنری جایگزین شده است.

خیرات یا اسراف ؟

در سفینه البحار همچنین از پیامبر^(ص) نقل است که: «ارواح مؤمنان هر شب جمعه، اطراف خانه‌های خود می‌ایند و با صدای غمناک و گریان ندای می‌کنند: ای اهل بیت من! ای فرزندانم! ای پدر وای مادر وای خویشان من! به من ترحم کنید با انفاق یک درهم یا لباسی به فقیر بپوشانید که خداوند هم لباسی بهشتی به شما می‌پوشاند». پس پیامبر^(ص) گریه کردند و ما حاضران در جلسه نیز با پیامبر^(ص) گریه کردیم و گریه حضرت چنان شدید بود که دیگر قدرت صحبت نداشتند. بعد از سخنی طولانی، حضرت فرمودند: «ارواح با حسرت و پشیمانی، برمی‌گردند».

التماس دعای اموات در شب‌های جمعه

امروز دیگر این اقوام و نزدیکان نیستند که در مراسم ترحیم، یک گوشه کار را بگیرند و اجازه دهند دند صاحب عزرا احساس غربت و تنهایی کند، بلکه مؤسسات فعال در زمینه مراسم ترحیم و یادبود اموات اند که صحنه گردانی می‌کنند. کار ترحیم را دست می‌گیرند و آرسوی دیگر طراحی و گل آرایی و شمع آرایی، جای سنت‌هایی مثل حلواپزبان را گرفته است و صوت خوش قرآن و نوا ی حزن آلود روضه‌های سیدالشهدا^(ع) نیز جای خود را به اجرای موسیقی زنده داده است.

موسیقی بجای صوت قرآن

حجت الاسلام والمسلمین محمد باقر علم الهدی، کارشناس معارفی رسانه ملی و مدیر حوزه علمیه قاسم بن الحسن^(ع)، درباره رویکرد دین به مراسم ترحیم می‌گوید: بزرگداشت یاد اموات و درگذشتگان، از محوری ترین مباحث پرورشی تربیتی در ادبیات دینی ماست؛ اینکه به یاد بزرگان، محفل و مجلس برگزار کنیم و یادشان را گرامی بداریم، ضمن ابراز وفاداری به درگذشتگان، یک رنگ بیدارباش برای بازماندگان است و به آن هالنگرمی‌زند که فرجام زندگی مادر این عالم رقم نمی‌خورد و این دنیا فرصتی است که از دست می‌رود، اما به دلیل زرق و برق دنیا و غوغاسالاری‌ها گاه فراموش می‌کنیم.

وی ادامه می‌دهد: وقتی از یاد مرگ غافل شویم، به دام دنیا طلبی می‌افتیم که با اصول انسانی هماهنگ نیست. بیشتر جنایتکاران ثبت شده در تاریخ مثل هیتلر ها و صدام ها و بایدن ها و ترامپ ها و... هرگز به یاد لحظه پایانی عمر نبوده‌اند. انسان هر قدر هم قدرتمند باشد، بالاخره این دنیا



ترحیم برای تنبه است، نه فخر فروشی و اسراف

ارتاک می‌کند، لذا برایی محافل سوگواری و یادمان عزیزان، تلنگری است برای خود ما، وگرنه کسی که از دنیا رفته است، با هیچ یک از محافل و مجالس ما باز نمی‌گردد. مجالس ترحیم باید و عطلی باشد برای زندگان تا ببینند با دست خود، عزیزانشان را در خاک گذاشته‌اند، لذا در ادبیات دینی، مستحب است فرزندان پیکر والدینشان را در خاک بگذارند و بدانند که این چرخه تکرار می‌شود و در روایات است که در این محافل، هرگز حرف دنیا زده نشود و حاضران شوخی و خنده نکنند. حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی تأکید می‌کند؛ با وجود چنین کارکردی برای مراسم ترحیم، برخی می‌کوشند وجه تنبه و تذکر را از آن بگیرند. بی تردید اگر تجملات و اسراف و چشم و هم چشمی بر این مراسم غلبه کند، دیگر جایی برای تنبه و یاد مرگ باقی نمی‌ماند، بلکه فضای بخل و طمع و کینه را برای انسان فراهم می‌کند؛ به همین دلیل جریان دنیا گرا و لائیک برای گرفتن عطر و بوی این‌گونه محافل که می‌تواند مانند مجلس عطف برای شرکت‌کنندگان عمل کند، برنامه دارند، برای مثال با استخدام گریه‌کنان صنعتی یاد دعوت

از محریانی که در سخن و رفتارشان هیچ تنبه و ذکری وجود ندارد و گویی برای هنرنمایی آمده‌اند، محافل و مجالس را از حالت وعظ و تنبه به محافل دنیابرستی، سالن مد و اسراف و تذبذب تبدیل می‌کنند، درحالی‌که برای نفع اموات، بهتر است این هزینه‌ها به فقیران و یتیمان و نیازمندان اختصاص یاباد. این کارشناس مذهبی می‌افزاید: در برخی محافل و مجالس ترحیم، هنرمندانی برای اجرای هنری و موسیقی و خواندن اشعاری دعوت می‌شوند که تنبه و تذکری در آن‌ها مشاهده نمی‌شود و بعد هم در یک سالن و تالار، میزهای شام آن چنانی چیده می‌شود و اسراف بسیار هم در این میزهای گذارخ می‌دهد. اگر واقعا می‌خواهیم هدیه‌ای به روح امواتمان برسد، چه بهتر که صرف افراد بی بضاعت شود. برپایی مراسم ختم و یادبود، ضروری است؛ چون جنبه تنبه و تذکر دارد، اما اطعام و خیرات و میرات بهتر است به فقرا اختصاص یابد و از اسراف و ریخت و پاش جلوگیری شود. این‌ها می‌شود سنت دینی دفاع پذیر؛ برگزاری مراسم ترحیم برای تنبه و هشدار به زنده‌هاست.